



**سیاست منطقه‌ای ایران در اثر فعل متراکم دو سه دهه‌ای به نقطه بازگشت ناپذیری رسیده که این لکوموتیو را نمی‌شود متوقف کرد و دارد جلوتر می‌آید بنابراین آنها می‌گویند لکوموتیوران را باید بزینم و اصل قصه این است**

تکمیل‌کننده است که وارد صحنه می‌شود و نتیجه آن این وضعیتی می‌شود که در سوریه در برآیند کار اتفاق می‌افتد.

◀ **به نظر شما چرا استکبار جهانی در دی ماه ۹۸ نقشه ترور شهید سلیمانی را اجرایی کرد؟**

من معتقدم اینکه دولتی این ریسک را می‌پذیرد و این مسأله حیثیتی را می‌پذیرد که یک فرمانده نظامی رسمی دولت دیگری را در شرایطی که در حال دیدار است از یک کشور دیگری، ترور بکند باید یک حجت بالغه‌ای داشته باشد، یک منفعت بزرگی داشته باشد که این هزینه را در کنار آن منفعت بزرگ راهبردی یک هزینه تاکتیکی کوچک تلقی بکند وگرنه به طور طبیعی این کار اتفاق نمی‌افتد، یعنی منطبق طبیعی کار این نیست که یک فرمانده رسمی نیروی نظامی یک کشوری در حال دیدار از یک کشور دیگری باشد و یک کشور ثالثی بپاید ترور را انجام بدهد، شما با یک چریک مواجه نیستید، یا یک فرمانده جنبشی یا یک نهضتی روبه‌رو نیستید زیرا ترور فرماندهان نهضتی رایج است اما اینجا در مورد شهید سلیمانی، درست است که او فرمانده نیروی قدس است و نقش درجه یک نهضتی دارد و نقش درجه یک جنبشی دارد،

است، سرجای خودش است، با آمد و رفت آدم‌ها تغییر نمی‌کند، در نقش سوم که نقش کارگزار است خیلی مهم است در عرصه سیاست و روابط خارجی، حاج قاسم فرد تعیین‌کننده‌ای است، نقش کارگزاری او بسیار برجسته شده بود. شرط بندی آنها این بود که این فرد کارگزار موتور محرکه سیاست منطقه‌ای ایران است. سیاست منطقه‌ای ایران در اثر فعل متراکم دو سه دهه‌ای به نقطه بازگشت ناپذیری رسیده که این لکوموتیو را نمی‌شود متوقف کرد و دارد جلوتر می‌آید. بنابراین آنها می‌گویند لکوموتیوران را باید بزینم و اصل قصه این است که این کارگزار درجه یک ایران را باید زد، برای اینکه یک دفعه موتور محرکه بازی منطقه‌ای ایران با ایست همزمان قلبی و مغزی مواجه شود. خلاصه تفسیر من از این بازی که آنها کردند این بود. شرط بندی آنها این بود که حذف این کارگزار درجه یک منظومه بازی منطقه‌ای ایران را در واقع برخواهد داشت و به نظرم اینجا در عین حال در این سطح که حاج قاسم سلیمانی یک کارگزار بی‌همتا یا کم‌نظیر بود و نقش واقعاً کارگزاری درجه یک و منحصر به فردی داشت، اما یادشان رفت که همه امور در سطح کارگزار تفسیر نمی‌شود، در سطح ساختاری و سطح سیاستگذاری



هم فونداسیون‌هایی زده شده که با آمد و رفت کارگزاران به آن صدمه وارد نمی‌شود. به هر حال باید بگوییم اگر می‌خواهیم شعار ندهیم، اگر می‌خواهیم به خودمان و به دیگران دروغ نگوییم، اگر می‌خواهیم صادقانه برخورد کنیم، زدن حاج قاسم سلیمانی در واقع ضربه زدن اساسی به منظومه بازی و سیاست ایران در منطقه بود. شرط بندی آنها این بود در یک سطوحی هم اتفاق افتاد. من معتقدم تا مدت‌ها طول خواهد کشید که کسی در اندازه سلیمانی این ظرفیت را پر کند، با احترام به همه دوستان و عزیزانی که مسئولیت دارند و مسئولیت آنها سنگین است، دعا می‌کنم که خداوند یاری‌رسان آنها باشد و ظرفیت آنها را می‌شناسم. از نزدیک هم رفاقت دارم با دوستان مختلفی که نقش‌آفرین هستند، از جمله حاج اسماعیل قآنی عزیز که امیدوارم با تأییدات الهی موفق باشند در مسئولیت سنگینی که دارند، ولی هم خود ایشان و دیگران هم همه این را در واقع اجماع دارند؛ این مسأله اختلافی نیست که حاج قاسم بعد از ربع قرن یک ظرفیت بی‌نظیر برای جمهوری اسلامی ایران و سیاست منطقه‌ای ما و سیاست ما در جهان اسلام بود و به هر حال افراد تأثیرگذارند و صدمه وارد شد به ما، لطمه وارد شد ولی خب برکت‌های شهادت را هم، باز خیلی

اما او یک مقام نظامی رسمی یک دولت رسمی است و در حال دیدار رسمی از یک کشور ثالثی است، چطور آمریکا این هزینه را می‌پذیرد؟ بخشی از این اقدام مربوط به شخصیت ترامپ است که اینجا نقش کارگزار را دارد، شاید اگر کس دیگری رئیس جمهور آمریکا بود چه آنهایی که قبل از ترامپ بودند چه اینهایی که بعد از ترامپ هستند، شاید این کار را نمی‌کردند. اینجا کاراکتر شخص به نظر من یک درجه‌ای تأثیر دارد؛ اما همه موضوع این نیست یک موضوع مهم‌تری است که یک نگرانی وجود دارد از اینکه یک نفر نقش مفصلی دارد، نقش در واقع تعیین‌کننده در وقایع دارد، آن فرد کاراکتر کاربزماتیک هم دارد، آن فرد شبکه گسترده روابط انسانی هم دارد، نقش کارگزاری او بسیار مهم است. درست است که آن کارگزار نقش یک ساختار و یک سیاست کشوری را اعمال می‌کند اما خودش در اثر ربع قرن استمرار در یک نقشه موقعیت و مسئولیت مجموعه ظرفیت‌های فردی به معنای کارگزاری خودش را پیدا کرده است. در یک یا دو جمله باید بگوییم شهید سلیمانی یک فرد کارگزار درجه یک تأثیرگذار بود، دوست و دشمن اقرار داشتند. مجموعه ظرفیت‌های ربع قرنی که ایجاد کرده بود در قالب غیراز ساختار و سیاستگذار یعنی در غیر سطح سیاستگذاری و ساختاری که محفوظ

